



# مختصری از تاریخ گذشته شوش

نوشته

دکتر سبمن کریمی

از زمان بسیار قدیم تا کنون در کتب مذهبی و تاریخی حتی در یادداشت‌های سیاحان و مسافرین اسم زیبای شوش ثبت هر ورق و دفترى بوده است .

هر يك از سیاحان و علما که بقصد دیدار ایران و آثار تاریخی آن می‌آمدند این مکان مقدس و آثار آن خانه های قدیمی را که امروزه بصورت خرابه و اتلائی در آمده، می‌دیدند بدون اینکه بدانند در زیر این خاک چه آثار نفیسی از پادشاهان و صنعتگران و نیاگان مایباده کار مانده است . در قرن سیزدهم هجری ( نوزدهم میلادی ) این کار تقریباً عملی شد و آرزوئی را که علمای آثار باستان و

(۱)





مورخین مدتها در دماغ خود می‌پرورانیدند. بمرحله عمل نزدیک شد. علمای زیادی بقصد بازدید و کاوش و کمانه زنی بایران آمدند و چون آثاری در زیر خرابه‌های شوش یافتند بیش از پیش در این راه کوشیدند تا بمقصود رسیدند. در سنوات ۱۸۵۱-۱۸۵۲-۱۸۵۳ میلادی برای اولین بار سر کنت لغتوس Sir Loftus انگلیسی دست بکار کاوش علمی در شوش شد و مقداری اشیاء که شامل یادداشتهای اردشیر دوم از قصر داریوش دوم و کوزه های سفالین بود بدست آورده با خود بارو با برد.

در بین سنوات ۱۸۸۴-۱۸۸۵-۱۸۸۶ میلادی مارسل دیولافوا Marcel Dieulafoy در نتیجه کاوش مقداری از بناهای دوره هخامنشی و ساسانی را در شوش کشف نمود و این کار سبب توجه علمای آثار باستان شد.

باید در نظر داشت که شوش غیر از بنا و عمارات دارای اشیاء نفیس بسیار بوده چه مرکز چندین تمدن و پایتخت بسیاری از سلسله‌ها از سلاطین قدیم ایران بوده است.

از آن زمان ببعده متوالیاً هر سال چند ماهی در این مکان کاوش بعمل آمده و اشیاء تازه‌ای پیدا شده.

در سال ۱۸۹۱ میلادی ژان دمرگان بایک هیأت علمی عازم ایران شد و طبق اجازه رسمی از دولت ایران در شوش به کمانه زنی و کاوش و خاکبرداری پرداخت.

عالم مزبور ابتدا در تپه بزرگ شوش (Accropolis) شروع بکاوش نمود و تصور می‌کرد که این تپه بزرگ از زمان قبل از تاریخ تا دوره اسلام تمدنهای کهنه را در دل خود پنهان کرده است و حدس او قریب بیقین شد بدین جهت دمرگان از سال ۱۸۹۱ تا ۱۸۹۷ و از سال ۱۸۹۷ تا سال ۱۹۱۲ میلادی بطور مستقیم هر ساله مرتباً چند ماهی در شوش حفاری نموده است.

### کاوش در سنوات ۱۸۹۷-۱۹۱۴ میلادی

در فاصله این چندین سال حفاری کاملی در شوش و پایتخت عیلام بعمل آمد. تپه بزرگی که در زمان قدیم پایتخت عیلام و شهر مهم تاریخی بشمار (۲)





میرفت در دو طرف ساحل کرخه واقع شده است و امروز رودخانه شاوور (شاهور) و کرخه دورا دور این تپه بزرگ را محاصره نموده است و یک قسمت از این شهر بتوسط طغیان رودخانه بکلی از بین رفته و جزء مسیر رودخانه شده است. با بررسی کامل روی نقشه بین النهرین موقعیت شوش نسبت بسایر شهرهای قدیم از قبیل اوره، بابل و موصل فعلی که نینوای قدیم باشد معلوم میگردد. در قدیم رودهای کارون، کرخه و دجله به دریاچه نمک میریخته اند و مردم بین النهرین اراضی سمت راست دجله را عیلام می نامیدند. دمرگان این شهر را بچهار قسمت مهم تقسیم مینماید و اکنون هم چهار تپه بزرگ دیده میشود.

۱- تپه بزرگ اکروپول (Accropol) شهر قدیمی و قلعه مرکزی که از بین رفته و جز توده خاکی چیز دیگری بنظر نمیرسد سی و هشت متر ارتفاع دارد.  
 ۲- تپه آپادانه (قصور سلطنتی و شهر سلطنتی) در سمت مشرق واقع و مکانی است که قصر داریوش اول در آنجا بوده بارقاع بیست و چهار متر.  
 ۳- تپه شهر که در طرف جنوب شهر واقع شده و خرابه های شهر بزرگ عیلامی را نشان میدهد.

۴- تپه های اصلی که شهر عمومی شوش و خانه های معمولی در آنجا واقع بوده بارقاع سی و پنج متر. گذشته از این چهار قسمت محله ای نیز در ساحل راست رودخانه وجود داشته است که سابقاً مسکن اهالی بوده و اکنون بستر رودخانه گل ولای خود را باطراف پراکنده بعبارت آخری آب آن مکان را گرفته است.

در شوش میتوان یک تمدن بسیار قدیمی از پنج الی شش هزار سال قبل مشاهده نمود.

تمدن عیلامیها، تمدن کلده، تمدن آسور و بابل، تمدن هخامنشی، تمدن یونان، دوره پارت و دوره ساسانی تا دوران اسلام بنظر میرسد.<sup>۱</sup> هیأت علمی فرانسوی در تحت ریاست دمرگان چند سال در ایران جنوبی و

۱- بکتاب میرو دومکنم (De Mecquenem) رئیس هیأت کاوش علمی شوش بعد از دمرگان بنام ملاحظیات روی آسور مراجعه شود.  
 (۳)





جنوب غربی خصوصاً در شرق مشغول حفاری و کاوش بود و آثار گرانبهائی بدست آورد که امروز قسمت عمده آن زینت بخش موزه های معروف دنیا بخصوص موزه لوور پاریس<sup>۱</sup> است و در موزه ایران باستان نیز گنجینه زیبایی از این آثار بنظر میرسد .

دو مرگان در مدت اقامت چندین ساله خود در ایران بررسی کاملی از زمینهای تاریخی خوزستان خصوصاً شوش نموده و کاوش و کمانه هائی چند در زمینهای شوش و اطراف آن تا پای پل و تپه موسیان زده و مقداری اشیاء قیمتی که هر یک گزارشی از تاریخ گذشته این کشور است بدست آورده است .

دو مرگان گذشته از بررسی کامل در شوش و خوزستان در قسمت بیشتری از غرب ایران مسافرت کرده و نتیجه کار خود را در کتابهای مفصل نگاشته است البته در این مختصر نمیتوان محتویات سی وسه جلد انتشارات کاوشها را یکی یکی بیان کرد ولی کم و بیش بذکر نکات لازم خواهیم پرداخت .

برای اطلاع بیشتر در اینجا بذکر سخنانی آقای دو منکنم که در شب یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۱۸ خورشیدی در تالار سخنرانی موزه ایران - باستان ایراد نموده و توسط آقای مصطفوی رئیس اداره کل باستان شناسی وقت ترجمه و قرائت گردیده میگردانیم :

« نزدیک به سی و شش سال پیش در ۱۰ مرداد ماه ۱۲۸۲ شمسی در بندر پهلوی کنونی و انزلی آنوقت از کشتی پیاده شده و برای ملاقات زان دو مرگان مأمور اعزامی وزارت فرهنگ فرانسه در ایران بطرف رشت رفتم . کاروانیکه هیأت علمی با آن مسافرت می نمود از راه قزوین و تهران و جاده کاشان عبور کرده از طریق اصفهان و بختیاری بخوزستان میرفت .

در آبان ماه همان سال بود که برای اولین بار در کاوش علمی شوش شرکت نمودم و این خاطرات بنظر من مثل اینست که همین دیروز بوده است در صورتیکه چند روز پیش بیست و نهمین کاوش خود را در شوش خانمه داده و با راه آهن بیست و دو ساعته از شوش بتهران آمدم .

۱ - به کاتالک موزه لوور و راهنمای آن موزه و کاتالک موزه بریتانیا (تالار شرق) مراجعه شود.









و باز اظهار داشت که هیأت علمی فرانسه در سال ۱۸۹۷ میلادی در شوش مستقر شده و هر سال مرتباً مشغول کاوش بود تا سال ۱۹۱۲ میلادی که ژان دمرگان بازنشسته شد. در این موقع من عضو وابسته آن بودم و تحت نظر عالم آسور شناس معروف پرشیل (Le Pere Schile) که در ابتدای کار هیأت دمرگان با او همکاری میکرد کاوشهای شوش را اداره میکردم.

در اثر جنگ عالمگیر (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ میلادی) کار ما قطع شده بود بنابراین روی هم رفته چهل فصل در شوش کاوش علمی بعمل آمده است.<sup>۱</sup>

لازم بتذکر است که هر سال کاوش علمی شوش از اول بهمن ماه شروع شده و تا پانزدهم الی آخر اردیبهشت ماه ادامه دارد و بنا بر مقتضیات محل و روز از ۲۵۰ الی ۱۰۰۰ نفر کارگر مشغول کار و کاوش و بخوا کبرداری بوده و هستند.

دو مکنم باز در تعقیب سخنرانی خود شمه‌ای از گزارش کاوش در خرابه‌های شوش را تا زمان هخامنشی صحبت داشته‌ام تا آنجا که میگوید:

تپه بزرگ اکروپل فعالیتی نشان میدهد که احداث ساختمانی است در کنار شهر اصلی سه توده مقبره بنظر میرسد که تشکیل سه تپه میدهد تپه معبدی بوده. قدیمترین طبقه شوش در ۱۹۰۸ پیداشد بعمق ۲۲ متر از بالای تپه. در اینجا ظروف شوش اول بدست آمد.

پائین‌تر از شوش اول طبقه دیگری بقطر ۷/۸۰ متر وجود داشت که بسیار قدیمی است.

در اینکه پیش از شوش اول در بعضی نقاط تمدن قدیمتری بوده تردیدی نیست لیکن در هر حال برتری ظروف سفالین شوش اول (ظرافت - نظافت - رنگ - تزئینات) را همه تصدیق کرده‌اند و گنجینه موزه ایران باستان بهترین دلیل و قوی‌ترین شاهد این مدعی است.

۱ - نتیجه کاوشها و تحقیقات در یک جلد از طرف لفتوس Sir Kennet Loftus و چهار جلد از طرف خانم Dieulafoy و سیزده جلد از طرف هیأت اعزامی بریاست ژان دمرگان تدوین گردیده و وزارت فرهنگ فرانسه اکنون جلد پانزدهم و جلد های بعدی را منتشر میکند.





اهالی شوش صنعتگران خوبی بودند و رسمها و نقشه های خوب در ظروف بکار میبردند، نوشته ای از آنها بدست نیامده لیکن مهره های مهم پیدا شده<sup>۱</sup>.  
طبقه شوش اول تأثیر مردم کوهستان را در تمدن و زراعت و زندگی شوش نشان میدهد

طبقه شوش دوم تأثیر تمدن بین النهرین را می نماید. ظروف و ساختمانهای مکشوفه نظیر همانهاییست که در «اوروک» بر ساحل فرات پیدا شده. دیوارها با میخ های سفالین رنگینی تزیین شده بود که دنباله این سلیقه تا دوره اسلام امتداد دارد.

از ۳۲۰۰ تا ۳۰۰۰ قبل از میلاد فلز کمی بکار رفته.  
از ۳۰۰۰ تا ۲۸۰۰ قبل از میلاد ظرفهای سنگی.  
از ۲۸۰۰ تا ۲۵۰۰ قبل از میلاد قبوری از خشت خام، ظروف مس، آئینه، النگو، حلقه، سرنیزه، خنجر، کارد، تبر و چرخ عرابه<sup>۲</sup>.  
از ۲۵۰۰ تا ۲۳۰۰ قبل از میلاد ظروف منقوش و مجسمه مرمری.  
از ۲۳۰۰ تا ۲۵۰ قبل از میلاد تحت تأثیر نژاد سامی ظروف قبری<sup>۳</sup> سپس قبور آجری.

تسلط پادشاهان عیلام تا قرن هفتم ادامه داشت (۶۴۰ قبل از میلاد) سپس فتح شوش بدست آسور بان پیال صورت گرفته است.  
شاهان هخامنشی تپه شمالی شوش را که آنهم توده مقبره های ادوار سابق بوده برای احداث کاخ خود اختیار کردند. آجرها و کاشی های زیادی بسبک دوره بابل جدید در آن بکار رفته و دیوارهایش را زینت میداد.

۱ - این مهره ها بشکل استوانه و دارای سوراخی در وسط است که گویا بگردن می آویخته اند. اطراف این مهره ها نیمه کنده کاری و نقوش حیوانات و یانوشته است که روی کاغذ با ماده نرمی مانند موم و غیره می غلطانیدند. جنس خود این مهره ها از سنگ یشم و عاج و یا صدف است.  
دروازه ایران باستان از این مهره ها که در تمامی نقاط ایران بدست آمده بسیار و در روی موم یا نوعی گچ غلطانیده شده و نقش های زیبایی بوجود آمده است.

۲ - ظروف این قبور کاملاً منقوش بود.

۳ - بسک زندگی مردم از روی آلات و ادوات معلوم میگردد و این خود بخشی مفصل است که اگر مجال و حالی شد در آینده بطور مفصل از آن بحث خواهیم کرد.







شالوده این کاخ از ۹ متر شن درست شده و خوشبختانه در این کاخ سه حیاط وجود داشته که برای کاوش علمی مورد استفاده کامل واقع گردید و در آنجا زمین زیر را بر نداشته بودند.

طول کاخ ۲۵۰ متر و پهنای آن ۱۵۰ متر و در شمال آن تالار بار ۳۶ ستون مانند تالار بار تخت جمشید - آپادانه دیده میشود که از هیچیک از ستونها هم اثری باقی نبود. ۹ ستون ایوانهای طرفین گرد است و ستونها مرکب از چهار قطعه بوده که هر کدام سه یا چهار متر طول داشته.

آثار فعلی مربوط به بارد شیر دوم است و بنای اصلی متعلق به داریوش که بکلی از بین رفته و با خاک یکسان شده است.

سبک ستونها مانند تخت جمشید و سرستونها هم همینطور مرکب از دو کله آدم باتنه حیوان یا دو کله حیوان و بدن حیوان بوده است. کف سالن از تخته سنگهای بزرگ فرش شده و دیوارها برنگ آبی مزین است. بین قطعات سرستونها قطعه سرانسان با بدن حیوان پیدا شده که سرستونهای تخت جمشید را بیاد میآورد.

دیوارهای کاخ از بدنه های آجر کاری و کاشی کاری پوشیده بود و چون هر ده سال این بدنه ها را عوض مینمودند لذا در ضمن خاکبرداری سایر ابنیه مجاور مقداری از اینگونه آجرها و کاشیها بدست آمد که مورد استفاده مجدد قرار گرفته بود. مهمترین ادوار شوش بهمین دوره ختم میشود و ذکر دوره های اشکانی و ساسانی و عرب موجب اطمینان زیاد بر مطلب خواهد بود.

اسکندر در سال ۲۳۱ قبل از میلاد شوش را گرفت. آنتی کون Antigon در سال ۳۱۵ قبل از میلاد و مهرداد در سال ۱۵۰ قبل از میلاد.

شاپور دوم ساسانی در سال ۳۰۹ میلادی شوش را گرفته و خراب کرد و بطور قطع در قرن (دوازدهم میلادی - ششم هجری) شوش رو بویرانی نهاده و معلوم نیست چه کسانی مسبب آن بوده اند.

این بود ترجمه سخنرانی مسیود و مکنم که توسط آقای مصطفوی رئیس باستانشناسی وقت بعمل آمده بود.

(۹)





اینک مختصری در خصوص گذشته شوش صحبت میداریم .  
همکارانی که بادمرگان هیأت علمی شوش را تشکیل داده اند بترتیب

زیر بوده اند :

۱ - ژان دمرگان G - De Morgan

۲ - پرشیل Le Pere Schile

۳ - ژکیه Jequier

۴ - لامپر Lampre

۵ - گوتیه Gautier

۶ - مسیودومکنم De Mecquenem

۷ - تسکان Tosconne

۸ - یزار Pezard

پس از دمرگان یکی از اعضای وی در تعقیب او مشغول کاوش در اقلال  
شوش شد و چنانکه مسیودومکنم در سخنرانی خود بدان اشاره کرده در حدود  
چهل سال - هر سالی سه الی چهار ماه - در شوش حفاری بعمل آمده است .

مسیودومکنم در سال ۱۰۹۳ میلادی به هیأت علمی فرانسه ملحق شد و تا  
سال ۱۹۱۲ میلادی در تحت نظر دمرگان و از آن پس در تحت نظر پرشیل و  
بعداً خود مستقلاً بکار کاوش پرداخته است .

مختصری از اشیاء مکشوفه

الف - سنک - ساروج - آهک ۱

۱ - نقش های برجسته روی سنگهای سخت و قطعه های کوچک و بزرگ  
بمقدار زیاد .

۲ - قباله های املاک ، خرید و فروشها ، روی سنگ یا آجر پخته .

۳ - مجسمه ها و صورتهای کوچک و بزرگ از اشخاص و از حیوانات از سنگ  
یا گل پخته .

۴ - ظروف بزرگ و کوچک از مرمر و از سنگهای خاکستری .

۱ - رجوع شود به گوتیه و دمرگان کلمات سوم واکه و پوتیه





۵ - آلات و ادوات کارازسنگ و اسلحه (آلات بنائی، سرستون، پایه ستون).

۶ - وزنه های مختلف.

ب - اشیاء ساروجی

یک قسم اسفالت، خشت منقوش، لوحه ها، نقش برجسته روی ساروج، مجسمه کوچک و بزرگ از اشخاص و حیوانات، ظروف و اشیاء مختلفه دیگر.

ج - فلز

۱ - نقشهای برجسته روی فاز، تکه ها و قطعه های کوچک و بزرگ بمقدار زیاد.

۲ - مجسمه ها و صورتهای بزرگ.

۳ - وزنه ها.

۴ - ظروف و چراغ.

۵ - اسلحه، ابزار و آلات کار و اشیاء مختلفه.

۶ - میله های برنزی، دسته تبر، چکش، نیزه و سر نیزه.

د - گل بخته

۱ - مجسمه هایی از صورتهای بزرگ و کوچک بمقدار زیاد. میتوان

دوره های مختلفه تمدن عیلام و کلدان را نیز در این دوره یافت. مجسمه های کوچک و بزرگ این تمدن را بخوبی نشان میدهد.

۲ - مجسمه ها و صورتهای بزرگ و کوچک حیوانات.

۳ - اشیاء مختلفه.

ه - اشیاء عیلامیها

۱ - نقوش برجسته.

۲ - مجسمه های کوچک و بزرگ حیوانات.

۳ - ظروف.

۴ - میخ های تزئینی. این میخ ها عبارت بوده از میخ هایی که سر آنها پهن و برنگهای مختلف مزین شده بود این میخ ها را مرتب در روی جرزها و

دیوارها فرو برده و بشکل کاشی کاری و یا صفحه زیبائی در میآوردند.

۵ - کاشی های مصری و ایرانی خصوصاً کاشی های دوره هخامنشی.

(۱۱)





۶ - اشیاء تزئینی مختلف ، استخوانی ، عاجی و صدفی .

۷ - اشیاء طلا و نقره .

و - جواهرات و تزئینات حتی دگمه

۱ - اشیاء و اسناد و مهره های کنده کاری.

۲ - سنگهای تراش از دوره عیلامیها .

۳ - مهره ها .

۴ - استوانه ها با خطوط کلدانی و عیلامی .

۵ - ظروف رنگی نقش دار خصوصاً نقش حیوان .

علمای علم آثار باستان شوش را به مخزن یابه آزمایشگاه بزرگ علمی تشبیه کرده اند که از هر دوره ای اثری و از هر عصری یادگاری در آن دیده میشود و تاریخ آنرا می توان از چهار هزار سال قبل از میلاد تا دوره اسلام دانست . ظروف و آلات و اسیابی از هر یک از این طبقات بدست آمده که تاریخ آنرا معین میکنند و بانظر کامل بدوره های مختلف هر یک از سنین گذشته آن بدست می آید .

اینک جهت روشن شدن مطلب نمایشی از طبقات و سال تقریبی آن ذکر

میکنیم: (قرن ۶ هجری - ۱۳ میلادی)

دوره سلاطین ساسانی	۲۲۶	میلادی
دوره پارتها	۲۵۰	قبل از میلاد
دوره شاهنشاهی هخامنشی	۵۵۰	قبل از میلاد
دوره آسوریها	۱۲۰۰	قبل از میلاد
دوره کاسیت ها	۱۵۰۰	قبل از میلاد
حموربی یا اولین سلسله بابل	۲۰۰۰	قبل از میلاد
دوره پایتختی آورسوم - دوره پادشاهی گودآ	۲۳۰۰	قبل از میلاد
شوش دوم	۲۵۰۰ - ۳۰۰۰	قبل از میلاد
حد فاصل تاریخ و قبل از تاریخ	۳۰۰۰	قبل از میلاد
شوش اول	۳۲۰۰ - ۳۵۰۰	قبل از میلاد

(۱۲)





نظری بتاریخ گذشته عیلام<sup>۱</sup> - از تاریخ عیلام تا پنجاه سال قبل اطلاعی در دست نبود فقط اسمی از آن در تورات و بعضی کتب دیگر دیده می‌شد لیکن حفاریات شوش اخیراً روشنائی زیادی بگذشته‌های آن مملکت افکنده و تاریخ آنرا تا سه هزار سال قبل از میلاد مسیح محقق نموده است. در عهد قدیمه عیلام بولایت زیر اطلاق می‌شد:

خوزستان، لرستان، پشتکوه و کوه‌های بختیاری و حدود این مملکت بطوریکه بعضی از محققین معلوم کرده‌اند از طرف مغرب دجله و از سمت مشرق قسمتی از فارس و از سمت شمال راهی که از بابل به ممدان میرفته و از سمت جنوب خلیج فارس تا بندر بوشهر (ریشهر قدیم) امتداد داشته است.

از نقطه نظر معرفت الارض خوزستان را میتوان امتداد جلگه بین النهرین دانست که رسوب رودخانه‌های دجله و فرات از طرفی و کرخه و کارون از طرف دیگر این سرزمین را تشکیل داده است در اطراف این سرزمین از زمان قدیم مردابهای بسیار بوده است.

خلیج فارس نیز در خاک خوزستان بسیار جلو آمده بود چنانکه شوش امروزی تقریباً صد کیلومتر از دریا فاصله داشته است.

زمینهای قابل سکونت که بنوع طبیعی از این سرزمین جدا شده بود تشکیل کشورهای متنوع داده است. بنا بر گفته دمرگان در دوره های اولیه زمینهای شوش مسکون نبوده چه هنوز تشکیل نیافته بود و تمدنهای قدیمی را میتوان در زمینهای شوش جستجو نمود و این تمدن ادوار قدیمی و تاریخی این سرزمین را معین میکند و علت اینهمه بررسی و کاوش در یک محل تاریخی اینست که ویرانه‌های شوش شامل ۵۵ هکتار شهر قدیمی و ۴۰۰ هکتار شهر جدید است.

۱ - در ماخذ کلمه و عیلام جهت تعیین این مملکت سه اسم نامبرده شده .

الف - عیلام که ناحیه کوهستانی و نام عمومی این مملکت بوده

ب - شوش یا شوشن بپایتخت این مملکت اطلاق می‌شده .

ج - آنزان یا انشان که پایتخت ناحیه شمالی بوده. پارسی‌ها این مملکت را هووچ یا خووج می‌نامیدند چنانکه اکنون هم خوزستان میگویند یعنی مملکت خوزها یا هووزها.

ایالت خوزستان در زمان هخامنشی اواجاً نامیده می‌شد و این اسم به‌هواز خیلی نزدیک است .





قطر زمینهایی که باید کاوش شود در شهر قدیمی از ۱۲ تا ۱۵ متر و در شهر جدید از ۱۰ متر است.

اهمیت این نقطه اینست که بنای آن ظاهر امر بوط به ۳۸۰۰ سال قبل از میلاد بوده و تا قرن دوازدهم میلادی آبادی داشته بعبارت آخری تاریخ آنرا در ظرف مدت ۵۰۰۰ هزار سال باید تعیین نمود.

ظهور قدیمترین تمدن و تجلی آن در شوش از ظروف سفالی کوچک و بزرگ ظریف و نقش دار است که بایک طرز خاص و اسلوب مخصوص روی آن نقاشی شده.

این ظروف که بشوش اول مشهور است در زیر تل بزرگ شهر در مکانهای مجزا از یکدیگر بمقدار زیادی بدست آمده است.

در ابتدای حفاری یعنی در سنوات ۱۸۹۷ - ۱۸۹۸ میلادی از این ظروف کم بدست میآمد ولی در سنوات ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ - ۱۹۰۸ - ۱۹۰۹ - ۱۹۱۰ میلادی در قبرستانهای وسیع شوش مقدار زیادی از این ظروف (قریب دوهزار ظرف) کشف گردید که بعلمای این علم اجازه مطالعه دقیق و بررسی کامل روی شکلهای اصلی نقاشیها و تزئینات این ظروف که افتخار این دوره بوده داده است.

این ظروف و تصاویر نماینده سلیقه ذوق صنعتگر میباشد و غالباً یک خط معنای زیادی در بر دارد و با یک قلم زندگی، شکل و حرکت حیوانی نشان داده شده است.

بسیاری از اشکال هندسی همین تصاویرند که بمرور زمان و در نتیجه نمو و ترقی بدین شکل در آمده.

کنتو در فصلی تحت عنوان صنعت سفال اولیه در کتاب بزرگ صنایع ایران عقیده دارد که اشکال هندسی که در روی سفال مشاهده میشود هر یک معنای مخصوصی دارد.

مثلاً خطوط موازی منکسر که در دایره یا مستطیلی محاطند و یا آنکه ساده هستند مقداری آب را نشان میدهد. مثلی که درون آن شکل شطرنجی











رسم شده نماینده کوه و سطحی که خطوط مایل روی آن رسم شده نشانه زمین زراعتی است.

بعبارت آخری این اشکال نوعی از خطوط تصویری بوده و میتوان گفت قبل از آنکه خط حقیقی پیدا شده باشد اشکال و نقوش روی سفال کتب اولیه ایران به حساب میآمده است. در این قبور در کنار ظروف اشیاء و زینت آلات مردانه و زنانه دیگری بدست آمده که متعلق بهمین عهد بوده است چه این اشیاء را با همین ظروف در قبور میگذاشتند.

این اشیاء عبارت بود از تیرمسی، سر عصای سنگی، آئینه مسی، گردن بند، دست بند، مروارید، عقیق، صدف سیاه و سفید، مهره ها و آلات و ادوات و صورت های گلی حیوان و انسان چنانکه بعداً بشرح آن خواهیم پرداخت.<sup>۱</sup> این صنعت و این ظرفیت بما نشان میدهد که مردمان قبل از تاریخ نیز دارای تمدنی بس عالی بوده اند. اما در خصوص مسکن و وطن عیلامیها نمی توان تحقیقاً معین کرد که در چه قسمت و کدام مکان شوش بوده است؛ چه هر کسی بنوعی از آن اسم میبرد.

اهالی شوش مملکت خود را انزان سوسونکا می نامیدند یعنی انزان و شوش، اما کلمه عیلام بمعنای کوه یا کوهستان است و اطلاق بآن قسمتی از خوزستان میشده که کوهستان بوده و بادقت کامل روی اشیاء و ظروف چنین حدس زده میشود که مهد تمدن اولیه را باید در کوههای این مملکت کمی بطرف شمال جستجو نمود.

اسم کنونی این شهر شوش است و ظاهراً اسم حقیقی آنهم همین بوده و چون یونانیها حرف «ش» نداشته اند آنرا «سو» نوشته اند. رومیها به پیروی یونانیها این شهر را «سوزا» خوانده اند و همین امر باعث شده که امروز اروپائیان این شهر را «سوز» میگویند.

علمای آثار باستان شوش اول را نیز بچندین دوره قسمت کرده اند که آنرا «شوش الف»، «شوش ب»، «شوش ج» و «شوش د» معرفی میکنند. البته اشیائی که در هر طبقه از شوش اول بدست آمده با هم کمی فرق دارد.

۱- رجوع شود بکتاب Pezard





### شوش دوم یا تمدن جدید

شوش اول از تمدن قدیمی آن ابتدائی تر بنظر میرسد چه ظروف این دوره خشن تر، بی دوام تر و آن زیبایی شوش اول را دارا نیست هم از جهت نقش و هم از جهت خصائص ولی نقش ها تقلید از طبیعت است و از همین قسم ظروف شوش دوم در کلدیه یافته اند.

مابین این دو دوره از تمدن یک دوره برزخ دیده میشود، چه ظروف شوش اول قبل از تاریخ و ظروف شوش دوم بعد از تاریخ و ظروفی که در طبقه حدفاصل این دو طبقه دیده شده بدوره حدفاصل معروف است<sup>۱</sup>.

زمان شوش دوم بسیار طول کشیده و تصور میرود که پس از اولین حمله اکدیها نیز ادامه داشته است و در این دوره اشیاء شوش عبارتست از مهره های مسطح، استوانه ها، ظروف، مجسمه های کوچک، نقش برجسته روی سنگ مرمر، قبر و غیره<sup>۲</sup> بالاخره مقداری لوحه ها و دفاتر و حسابهای محکوک که بعضی نیز بطبقه حد فاصل (برزخ) نسبت داده شده است.

این لوحه ها قدیمترین نوشته هایی هستند که از عیلامیها بدست آمده و تا ۲۵۰۰ قبل از میلاد استعمال میشده. راجع بزبان عیلامیها اطلاعات کلی در دست نیست ولی بعضی از علما عقیده بر آن دارند که زبان عیلامیها زبان ملتصق بوده (Agglutinante) مانند زبان اورال و التائی، ولی باید این نکته را در نظر گرفت که چون این مملکت بدست اقوامی چند افتاده زبانهای مختلفی در مدت قرون متعدده معمول بوده است.

دیگر اینکه در کتیبه های عیلامی لغات عیلامی کم دیده شده و بیشتر لغات سومری و سامی است زیرا چنانکه گفته شد مدت زیادی عیلامیها در تحت نفوذ و حکمفرمائی سومریها و مردمانی بنام سام بوده اند.

بهر صورت نمی توان گفت که عیلام بکلی مستقل بوده و در تحت تبعیت پادشاهان سومر و اکد نبوده است چه اول کسیکه با عیلامیها جنگیده

1 - Transiurn یا Proto- Elamite

2 - Bitume





ان ناتوم En - Natum اول ، پاتسی معروف شهر لاگاش (Logasch) است که در حدود سه هزار سال قبل از میلاد با عیلام جنگیده و بر آن شهر غلبه نموده است. ولی بنا به گفته بعضی از مورخین جنگ بین سومر و عیلام نوعی جنگ تدافعی بوده است چه گاهی عیلام بسومر حمله کرده و گاهی سومر در مقابل دفاع برآمده است و پس از سومر نوبت به اکد میرسد .

سارگن مؤسس سلسله اکد چون خواست کشورش را توسعه دهد با عیلام جنگ کرد ولیکن معلوم نیست که عیلام در این زمان جزء اکد گردیده باشد. عیلام در این زمان باجی به اکد میداده است .

پس از سارگن مانش توسو (Manishtousou) پادشاه اکد حکمفرمای شوش نیز گردید. در شوش مجسمه ای از او و قباله ای یافته اند که حاکی از تسلط او میباشد<sup>۱</sup> همچنین در حدود ۲۷۰۰ قبل از میلاد نارام سین (Naram sin) پادشاه اکد تمام عیلام را فتح نمود .

دوستان در شوش استلی<sup>۲</sup> یافته که فتوحات این شخص نشان را میدهد. (این استل ، به استل نارام سین معروف است) در همین دوره یعنی در سال ۲۵۰۰ قبل از میلاد سومر رونقی از نو گرفت و شهر لاگاش پایتخت پادشاه بزرگی با اسم گودآ گردید . در این دوره نیز عیلام جزو حکومت سومر شد. بدین جهت مدت مدیدی تمدن عیلام با همسایگانش سومر و اکد مخلوط شده و تقریباً یکی بود. در این وقت باز سومر از نوری کار آمد و اوور (ru) رونقی از نو گرفت و زبان سومری معمول گردید .

دو نفر از پادشاهان این سلسله دونگی (Doungui) و کی میل سین (Kkimilsin) فتوحاتی در اطراف کرده عیلام و لولوئی را تسخیر نمودند و مدت ها سومر بها بر عیلامها حکومت کردند<sup>۳</sup> دونگی معبدی در شوش برای رب النوع عیلامیها شوشی ناک Schuchinok ساخته است .

۱- رجوع شود به کاتالک موزه لوور پاریس

۲- مجسمه

۳- از لوحه هائیک بدست آمده این امر مسلم است، خصوصاً بأمورین سومری در عیلام دستور داده شده بود که از نظر کارگر برای ساختن معابد کمک کنند چه دونگی بساختن معبد علاقه داشت .





طرز رفتار سومریها در عیلام سبب نارضایتی مردم عیلام و شورش جدی بر ضد سومریها شد و روز بروز نائره شورش قوی تر گردید تا اینکه در سال ۲۲۸۰ قبل از میلاد کدورناخونتاکا Kaudur - Nakhonta شهر او را گرفته غارت کرد و مجسمه رب النوع شهر را بعیلام برد.<sup>۱</sup>

بین این شاهزادگان میتوان اسم کوك کیریماس Kouh-kir-Piace و آناپاک شو Anapok Schow را ذکر کرد که برای عیلام بسیار زحمت کشیده و خود را شبان شوش میدانستند.

پس از مدتی باز شوش نتوانست از شر مردمان مجاور و قتل و غارت اجانب محفوظ بماند.

در سال ۲۱۰۰ قبل از میلاد حموربی پادشاه بزرگ و ششمین پادشاه این سلسله (۲۱۳۸-۲۰۸۰ قبل از میلاد) بشوش حمله کرد و مدت مدیدی در مملکت عیلام حکمرانی داشت.

در این مدت هیچکس نتوانست طوق رقیبت و اطاعت در گردن این مردمان اندازد مگر آسوربانیپال.

مدون قوانین حموربی را در حفاریات شوش یافته اند که روی سنگ سختی حکاکی شده است.

این قدیمترین مدونی است که تا حال بدست آمده و امروز در موزه لوور پاریس است. این مدون مذهبی نبوده بلکه اجتماعی است.

راجع بآبیاری، کشتی رانی، خرید غلام و کنیز و تکالیف آنها نسبت بموالی، مجازاتها، ازدواج و حقوق و میراث و غیر آنها.

در این تاریخ میتوان از قوم جدیدی اسم برد که بعیلام حمله نموده و کمی بعد آنها بتصرف خود در آوردند.

این مردمان کاسیت نام داشته و چنانکه معروف است مردمانی بودند که

۱- وقتیکه آسوربانیپال عیلام را غارت کرد این مجسمه را که (۶۳۵ قبل از میلاد) آورده بودند بشهر مزبور مسترد داشت.





در کوههای زاگرس نزدیک کرمانشاهان امروزه تادر طرف عیلام میزیسته اند و بعضی تصور میکنند که این قوم مردمان آریائی بوده اند.<sup>۱</sup>  
معروفترین آثار آنها مجسمه برنزی ملکه ناپیراسو (Napir Asou) است که در موزه لوور می باشد.

این مردمان در شوش هم سلطنت کرده اند و در آنجانیز قباله ای از این پادشاهان بدست آمده خصوصاً از ملی شی پاک (Melishipak) و ماردوک آپال ایدین Mardouk-Apal Iddin معروفترین شاهان این سلسله شوتروک ناخونفتا Shwtrouk Nakhonte می باشد که یکی از بزرگترین فاتحین عیلام است. او بابل را تسخیر و غارت نمود و از جمله غنائمی که بشوش برداستل نارام سین<sup>۲</sup> و چندین مجسمه دیگر منجمله مجسمه رب النوع بزرگ بابل، بل ماردوک بود که سی سال در شوش ماند و بعد ببا بل مسترد گردید.

پسرش کوتیر ناخونفتا Koutir Nakhonte که در جنگها همراه پدرش بود کم سلطنت کرد.

پس از او شیل خاکین شوشیناک Shil Khokin Shouchinak برادر شوتروک ناخونفتا بتخت عیلام نشست. او پادشاه سانس و مدبر بزرگی بود و بناهای زیادی بیادگار گذاشت. یکی از کارهای او که مورد قدرشناسی علمای آثار باستان و مخصوصاً هیأت علمی فرانسیها است که پیشرفت های خود را در شوش مرون زحمات این پادشاه میباشند و تاریخ نیز بسهم خود این پادشاه را می ستایند، این است که این پادشاه هر بنائی را که تعمیر می کرده می نوشته این بنا را کی ساخته بوده و چه کتیبه ای داشته و عین آن کتیبه را که بزبان سامی بوده نویسانده و ترجمه آنرا نیز بدان علاوه می کرده است. این نوع مراقبت فوق العاده پادشاه مزبور در حفظ آثار قدیمه کمک بزرگی بخواندن زبانهای قدیم عیلامی از ادوار مختلفه نموده است. زیرا بین کتیبه های قدیم و کتیبه های این پادشاه ادواری گذشته که لااقل، دوهزار سال مدت آنهاست. بدین جهت با مساعدتهای

۱ - مسکن اصلی آنان گویا در کوهستانات لرستان بوده و آثار زیادی از آنها امروزه در کوههای اطراف دلفان و هرسین در قبورشان بدست می آید.

۲ - این سند تاریخی را سه هزار سال بعد هیأت علمی فرانسه در شوش یافته اند.





این پادشاه تاریخ عیلام از یک عده سلاطین و شاهزادگان که هیچ مأخذ تاریخی جدیدی تا حال در این خصوص کشف نشده بود کامل و پربها شد.

پس از این واقعه نوبت به دوره حکومت و اقتدار آسوریها میرسد و آسوریها مدت مدیدی شوش را در تحت اقتدار خود داشتند. گاهی بعیلام آزادی داده وزمانی اورا مطیع و منقاد نمودند تا هنگامیکه آسوربانیپال بعیلام دست یافته و شوش را با خاک یکسان نمود. (نمی توان در این مختصر از گزارش مفصل آسوریها در عیلام صحبت داشت چه مجال این گفتگو نیست).

در سال ۶۴۵ قبل از میلاد آسوربانیپال بعیلام لشکر کشید و وارد شوش شد و خزانه پادشاه عیلامی را ( طلا و نقره ، مجسمه ها ، اشیاء نفیس و قیمتی و هر چه بود) به نینوا نقل کرد و لشکریان او هر چه از مردوزن را که یافتند کشتند. آسوریها تنها بکشتار قناعت نکرده استخوانهای پادشاهان و اشخاص نامی عیلام را از قبور بیرون آورده به نینوا فرستادند و سی و چهار مجسمه پادشاهان عیلام که از طلا و نقره و مرمر ساخته شده بود جزو غنائم آسوری گردید.

رفتار آسوریها در عیلام طوری بود که یکی از معاصرین از کثرت کشتار و غایت خرابی عیلام را بقبرستانی تشبیه کرده است.<sup>۱</sup>

این است ترجمه کتیبه آسوربانیپال راجع بقنوجات اودر عیلام :

دخاک شهر شوشان و شهر مادا کتو و شهرهای دیگر را تماماً بمملکت آسور کشیدم و در مدت یکماه و یکروز مملکت عیلام را در تمامی عرض آن جاروب کردم. من این مملکت را از عبور حشم و کوسفند و نیز از صدای موسیقی محروم نمودم و به وحوش و مار و حیوانات کویر و غزال اجازه دادم که آنرا اشغال کنند.

این ترجمه یک صفحه از بربریت محض و وحشیگری مطلق رانشان میدهد اهالی آنجا را یا بغلامی بردند یا از دم شمشیر گذرانندند. نه حیوان ماند و

۱- حزقیل یکی از پیامبران بنی اسرائیل در باب عیلام گفته است :  
داین است عیلام و تمام جمعیت آن در اطراف قبور آن تمام آنها کشته شدند. تمام آنها از دم شمشیر گله شدند.





نه انسان. شوش محل بزرگواریهایی گذشته و اقتدارات دیرین دیگر نتوانست از این کشتار و غارت کمراست کند.

فتح شوش بتوسط آریین ها و شاهنشاهان هخامنشی برده نوبی از تاریخ را باز کرده و صفحه جدیدی را ورق زد؛ بمبارت آخری آثار گرانبهای امروزی شوش یادگار های داریوش بزرگ و پسرش خشایارشا است.

اگر چه کوروش بزرگ و پسرش کمبوجیه انزان را فتح نمودند و تمام مملکت خوزستان را جزو قلمرو حکومت خود در آوردند ولی بناهای شوش در زمان داریوش بزرگ شروع شده است.

شاهنشاهی هخامنشی زندگی جدیدی در شوش ایجاد و حیات ملی واجتماعی نوبی در این کشور باز کرده است.

سرزمینی که سالهای متمادی در تحت نفوذ سرکشان و سرکردگان و رقبای همسایه دمی آسودگی نداشت حیات تازه و آرامی بنخود گرفت و مهد جدیدی شد و تصور فراوانی در آن بنیاد گردید.

این سرزمین پس از مدت ها اغتشاش و ناامنی که هر ساعتی در دست قهرمانی و هر زمانی از دستی بدست دیگر میافتاد پس از نقل و انتقال آن بشاهنشاهی هخامنشی مردمانش در بستر امن و آسایش غنودند. بامر داریوش بزرگ در شوش قصور عالی بر پاشد که اکنون سنگهای آن یکی پس از دیگری از زیر خاک بیرون میآید.

پس از حمله اسکندر مقدونی شوش و مملکت عیلام بدست پارتها افتاد. (۲۲۶ قبل از میلاد - ۱۳۹ بعد از میلاد) پس از آن ساسانیان در شوش حکمفرما شدند (۲۲۶ قبل از میلاد - ۶۳۶ میلادی). بعد از ساسانیان کم کم آفتاب جلال شوش منخسف شد و ستاره اقبالش رو بتاریکی رفت. پس از حمله عرب در قرن چهارم و پنجم و ششم شوش مانند چراغ بی روغنی خاموش شد و تبدیل بصحرای وسیعی گردید و جز توده های خاک و اما مزاده ای که امروز معروف به دانیال نبی است چیز دیگری در آن مکان دیده نمیشود.

حفریات شوش و اطراف آن علما را موفق ساخت که از درجه تعالی و ترقی و مدنیت شوش اطلاعات زیادی بدست آورند.





حفاریات شوش مدارك و اسنادی بدست داد که از ارتباط تمدن قدیم و مدنیّت متأخر حکایت میکنند .

### چوخه زنبیل<sup>۱</sup>

دومکنم که مدت طولیلی درشوش و اطراف آن (مدت سی سال) مشغول کاوش بود محل دیگری را مناسب کاوش بدست آورده از وزارت فرهنگ تقاضا نموده و بنا بیسشهاد وزارت فرهنگ هیأت وزراء تشکیل جلسه داد :

« در جلسه هفدهم اردیبهشت ماه (۱۳۱۴ خورشیدی) اجازه کاوش علمی در تپه چوخه زنبیل واقع در چهل کیلومتری جنوب شرقی شوش بمدت پنج سال با آقای دومکنم نماینده موزه لوور پاریس و رئیس هیأت حفاری علمی شوش داده شد . »

مشارالیه هم از آنسال بلاانقطاع هر ساله یکی الی دو ماه طی مدت چهار ماهی که درشوش میگذرانند بابازرس فنی اداره کل باستان شناسی بدان مکان رفته و حفاری نموده اند .

چوخه زنبیل در چهل و دو کیلومتری جنوب شرقی شوش ، در کنسار چپ رودخانه آبدیز ، در هفت کیلومتری شمال شرقی ایستگاه راه آهن شماره (۵) واقع است .

در این محله هاتی در جوار تپه وجود ندارد . نزدیکترین ده و آبادی این مکان درشش کیلومتری جنوب تپه ساخته شده .  
خرابه های این تپه شامل دو محوطه است :

اولی زمینی مربع دارای اضلاع سدمتری و دومی که زمینش چهارصد متر از اولی فاصله دارد ۸۰۰ متر رو بجنوب شرقی میرود . در مرکز محوطه اول تلی است کوچک که باندازه ۲۵ متر بر اطراف مسلط و ۶۰ متر از کنسار رودخانه بلندتر است .

دو شعبه از یک ترعه که از شمال شروع می شود این تپه کوچک را احاطه مینماید . یک شعبه بطرف زاویه شمال دیوار روان می شود و شعبه دیگر از وسط

۱ - این کلمه به لری بمعنای تپه خاکی است و در لرستان و خوزستان عموم تل و تپه را چوخه - چیا - چیا و چوخه میگویند .







تپه عبور نموده بطرف زاویه غرب امتداد مییابد و در طرف دیگر رودخانه آثار خرابه‌های شهر قدیم دیگری بنام تپه ده نو وجود دارد و در جنوب تپه یک میدان بزرگ دیده می‌شود که محل چادرزدن هیأت حفاری و اکنون محل ساختمان آنها است.

ابتدا در تل گردی کاوش بعمل آمد و دود یوار از آجر پخته و خشت نمایان گردید و بالاخره یک زیگورات (Zigurat)<sup>۱</sup> و در دویوار چند قطعه از تیفه‌های نازک طلا کشف شد. میان چوخه زنبیل و شوش شهرهای دیگری موجود بوده و بوسیله آتش شها با یکدیگر مخابره میکردند. عمارات زیگورات هنوز کاملاً حفاری نشده ولی از قرائن معلوم می‌شود که زیگورات مربع و هر پهلوی آن دارای یکصد متر بوده است.

تقریباً چهل متر از محل حفاری اول روی تپه‌ای بطرف شمال غربی بیک عمارت از آجر پخته رسیدند. میان این عمارت استوانه‌هایی از گل پخته که دارای کتیبه‌هایی بخط میخی بود پیدا کردند. گویا این استوانه‌ها بمنزله قباله ساختمان این عمارت بود. اون تاش کال Untash kal ذکر مینماید این استوانه‌ها میناکاری دارای رنگ آبی است.

روی زمین عمارت یکنوع خاکستر بود و میان این خاکسترها دانه‌های متعددیکه از شیشه آب کرده ساخته بودند یافت شد. این دانه‌ها دارای رنگ سفید و زرد و سیاه بوده است.

یک ظرف قشنگ مسی دارای کتیبه‌ای بزربان سامی بدست آمد لیکن خیلی

۱ - مهمترین آثار چوخه زنبیل تپه بزرگی است که شامل برج و مبد قدیم شهر بوده. این برج نظیر برج معروف بابل میباشد که طبقه - طبقه بر روی یکدیگر ساختمان نموده و آنرا بالا برده بودند.

اینگونه برجهای بزرگ را بزربان بابلی زیگورات نامیده‌اند و اکنون هم بهمین اسم معروف است. زیگوراتهای موجود در چوخه زنبیل بزرگترین برجی است از این نوع که تاکنون پیدا شده و در عین حال کاملترین و سالمترین آنهاست و تنها زیگوراتی است که در ایران وجود دارد. در هر حال بنای تاریخی بسیار معتبر و ذی‌قیمتی است که از دوره عیلام تاکنون در خاک نهفته بوده است.





ساقیده شده بود و نیز چهار لوح بزرگ از گل پخته دارای خطوط میخی سامی مکشوف شد

در سه محل دیگر بکاوش ادامه داده شد و با آجر پخته والواحی از گل خام مواجه شدند. در اطراف دیگر توره فوق الذکر حفاری نموده و به باقیمانده دیوارهای آجری رسیدند بعلاوه محل اطاقها و پله ها نمایان گردید.

سنگهای آسیا و ظروفی از گل پخته يك قسمت از زمین اطاق را پوشانیده بود. میان مصالح بنائی چندین آجر دارای کتیبه میخی یافت شد. این آجر-های کتیبه دار بدون نظم و ترتیب میان مصالح بنائی مخلوط بود. این وضعیت دلیل بر این است که این ساختمان دست نخورده است.

در اطراف هر می که روبروی جنوب شرقی است کارش بعمل آمد و دیوار-های يك متری نمایان گردید.

در محوطه های دیگر کمانه زنی هم شد و دیوار حجاری و حتی آب هم پیدا شد و بر اثر این کمانه زنی ظروفی از گل پخته و گردنبند بتقلید مروارید و سنگهای اوزان و مقادیر که دارای علامت ویژه بودند و یکدسته از سلاحتهای مختلف و اسباب مسی مخلوط با استخوان بچکان در يك ظرف خاکی و بسیاری از مهره های عتیق بدست آمد.

تا امروز تصور میرفت که تاریخ این مکشوفات با تاریخ بابل جدید مطابقت خواهد کرد ولیکن پس از کشفیات چوخه زنبیل تاریخ این مکشوفات را بایستی با اواخر عیلام (تقرن هشتم قبل از میلاد) نسبت داد.

هیأت علمی فرانسه در عملیات کاوش در چوخه زنبیل تقریباً بدویست عدد لوح دارای خطوط میخی بزبان انزانی و هزارتکه از الواح دیگر برخورد نمود و تمام این لوحه ها از اون تاش کال پادشاه شوش و انزان حکایت میکند و از تأسیس و تعمیر معابد و مدح و ثنای خدایان شوش بحث مینماید. این کتیبه ها بزبان انزانی نوشته شده و تنها يك کتیبه بزبان سامی است و نظر باندازه و نوع خاک عموم این الواح در شهر چوخه زنبیل ساخته شده است این





محل بنظر می‌آید که شهر دوراداسی (Dur - Udasi) باشد که در سال ۶۴۰ قبل از میلاد بتوسط پادشاه آشور، آسوربانیپال خراب شده بود.<sup>۱</sup> طبق کتیبه های مکشوفه شهر مزبور را اون تاش کال شاه عیلام در حدود قرن پانزدهم قبل از میلاد بنا کرده و بنای آن عبارت بود از یک هرم مرکزی بار ارتفاع ۳۰ متر تقریباً با یک محوطه مربعی شکل که هر ضلع آن ۴۰۰ متر طول داشته و یک محوطه حصار مانند دیگر تقریباً بمساحت ۱۰۰ هکتار قسمت مسکونی شهر را محدود مینمود.

این بود تاریخچه بسیار مختصری از گذشته شوش پایتخت قدیمی ایران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱- آسور بانیپال در ضمن کتیبه‌ای که در بابل بدست آمده گوید «دوراداسی آمدن تمام شهر را گرفته همه اهالی را از دم شمشیر گذراندم. در خود این شهر یکماه توقف کردم. قشون من از ای تی ته ( Itilé ) ( آب دیز کنونی ) عبور کرده بشهر بید بوناکی ( Bide Baunaki ) ( تپه ده نو ) رسیده آنجا وشهرهای آنطرف رود را گرفته و خراب کردم عیلامیها تصور نمیکردند که قشون من بتواند از آب عبور کند.»

(۲۷)





### منابع و ماخذ

- ۱- یادداشتهای ژان دمرکان  
 G. De Morgan
- ۲- کاتالوگ آثار باستان کلمده در موزه لورور  
 Perrot - et - Chipiey
- ۳- تاریخ صنعت پروشی پیه  
 Masperot
- ۴- تاریخ شرق ماسپرو  
 G - De Morgan
- ۵- اولین تمدن یا تمدنهای اولیه ژان دمرکان  
 King
- ۶- تاریخ سومر و اکد کینگ  
 King
- ۷- تاریخ بابل کینگ  
 R. Hall
- ۸- تاریخ شرق جدید حال  
 ۹- افسانیت در قبل از تاریخ ژان دمرکان  
 De Laporte
- ۱۰- بین النهرین و تمدن بابل و آشور  
 Olmstead
- ۱۱- تاریخ آشور المستد

